

متن پرسش

سلام و احترام: دردی داشتم ممنون می‌شوم اگر درمانی دارید بفرمایید. خداوند متعال حافظتان. پزشکی که نه فرزندش سوخته و شهید شده اند، کودکی که پدرش را اسیر کرده اند و حالا او نان آور خانه شده و هنگامی که نام پدرش را می‌شنود چشمانش پر از اشک می‌شود، دختری که در محاصره آتش برای نجات خود دست و پا می‌زند، پدری که پاهای فرزندش کنده شده و داد می‌زند پاهایش را بیاورید. وضع غریبی است. نه می‌توان دید و شنید و نه می‌توان ندید و نشنید. دوستان و فامیل می‌گویند نبین. وقتی از تو کاری بر نمی‌آید دیدنش جز ویرانی ذهن و فروپاشی روانی چه سودی دارد. روح انسان تاب و توان تحمل این حجم از درد را ندارد. از سر خیرخواهی می‌گویند ببین حضرت آقا خودشان هم در سخنرانی فرمودند انسان تحمل دیدن این تصاویر و این حجم از جنایت را ندارد. پس تو که دیگر جای خود داری. اما براستی چه باید بکنیم؟ تکلیف ما چیست؟ چقدر باید از جزئیات جنایاتی که در غزه اتفاق می‌افتاد مطلع شویم و خود را درگیر اتفاقات ریز و درشت آن کنیم؟ ببینیم می‌سوزیم، خفه می‌شویم، از زندگی ساقط می‌شویم، دست و دلمان به هیچ کاری جز برای غزه نمی‌رود. بغض و خشم و عصبانیت و کینه و انفعال و ناراحتی و برزخ بی‌عملی و نظاره‌گری گلوی آدم را فشار می‌دهد. قلب انسان در سینه اش سنگینی می‌کند، دلت می‌خواهد بمیری از اینکه می‌بینی و هیچ کاری نمی‌توانی بکنی. پس مجبوری نبینی. نبینی تا بتوانی نفس بکشی، به زندگی عادی ادامه بدهی، تا کم کم از یادت برود، تا بلکه آرام و شاید کرخت شوی. برگردی به روال عادی کار و زندگی و زن و بچه ات. این چه عذابیبست که گرفتارش شدیم؟ این چه تناقضی است؟ تقاص کدامین گناه یا خبط و خطا و بی‌عملی را پس می‌دهیم؟ چرا به چنین وضعیتی گرفتار شده ایم؟ چرا هیچ بستری فراهم نمی‌شود تا بتوانیم کاری کنیم؟ چرا دست و بالمان بسته شده؟ چه باید بکنیم؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: چاره‌درد بخصوص دردی این‌چنین بزرگ، ندیدن و یا بی‌تفاوت‌بودن نیست. مهم، اندیشیدن به تاریخی است که بشر مدرن، سیاست را از دیانت جدا کرد و خود را به عنوان سیاست، مجاز به چنین جنایاتی کرد. علاوه بر دلسوزی و دست‌زدن به هر کاری که کمک به آن مردم مظلوم باشد، مهم توجه به حکمتی است که خداوند به صحنه آورده تا معلوم گردد ما در چه تاریخی هستیم و جایگاه خود را نسبت به این جنایات معلوم کنیم آن‌طور که حضرت روح الله «رضوان‌الله تعالی علیه» خیلی زود ما را متوجه این امر نمودند به همان معنایی که خداوند می‌فرماید:

«أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ ۖ مَسَّنَّهُمْ الْبَاسَاءُ وَالضَّرَاءُ وَزُلْزِلُوا  
حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصْرُ اللَّهِ ۖ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ» (بقره/۲۱۴)

آیا پنداشته اید در حالی که هنوز حادثه هایی مانند حوادث گذشتگان شما را نیامده، وارد بهشت می شوید؟! به آنان سختی ها و آسیب هایی رسید و چنان متزلزل و مضطرب شدند تا جایی که پیامبر و کسانی که با او ایمان آورده بودند [در مقام دعا و درخواست یاری] می گفتند: یاری خدا چه زمانی است؟ [به آنان گفتیم:] آگاه باشید! یقیناً یاری خدا نزدیک است.

آری! راهی و عزمی در مقابل ما از طریق انقلاب اسلامی گشوده شده است که با صبر و پایداری در دل همین سختی ها، امیدوار نصرت الهی هستیم بدون آن که خود را ببازیم و یا تسلیم سلطه استکبار شویم. موفق باشید